

## تصفیر نفت در بودجه از این دولت بر نمی آید

از اردیبهشت ماه سال 97 همزمان با خروج آمریکا از برجام عملاً صنعت نفت ایران باردیگر مورد تحریم آمریکایی ها و اروپایی ها قرار گرفت به طوری که با فشار آمریکایی ها بعد از گذشت یک سال عملاً صادرات نفت ایران به سمت صفر شدن حرکت کرده است هرچند که هنوز براساس امار و اطلاعات منتشر شده توسط رسانه های غربی صادرات نفت ایران صفر نشده است اما به جرات می توان گفت که تحریم ها موجب شد تا فروش نفت ایران به راحتی سالهای قبل از تحریم نباشد.

ایران این شرایط را پیش تر در سال های 90 و 91 نیز تجربه کرده بود اما در آن زمان با همت مسئولان وقت فروش نفت ادامه داشت. علیرغم اینکه تحریم های آن زمان سنگین تر از شرایط کنونی بود. روند کنونی صادرات نفت ایران موجب شد تا کارشناسان اقتصادی را به این سمت ببرد که پیشنهاد صفرکردن درآمدهای نفتی را در بودجه به دولت بدهند تا دولت بتواند باتوجه به امکاناتی که دارد کشور را اداره کند.

مقام معظم رهبری نیز در طول سالیان گذشته نیز این موضوع یعنی خارج کردن درآمدهای نفتی را از بودجه به مسئولان دولتی گوشزد کرده بودند ولی به دلیل آنکه درآمد نفت سهل الوصول ترین درآمد برای اداره کشور است، دولت ها هرگز به سمت اجرای این مطالبه مقام معظم رهبری نرفتند و اگر اکنون نیز شرایط فروش نفت برای مسئولان سخت نشده بود شاید هرگز این موضوع یعنی صفر کردن درآمدهای نفتی در بودجه نیز مطرح نمی شد.

از آنجا که مجلس می تواند نقش موثری در اجرای تحقق این مطالبه رهبری داشته باشد با هدایت [ ] خادمی عضو کمیسیون انرژی مجلس و از مدیران سابق نفتی گفت‌وگو کردیم که در ادامه متن این گفت‌وگو را ملاحظه می کنید.

فارس: یکی از مطالبات مقام معظم رهبری همواره در طول سالهای گذشته خروج درآمدهای نفتی از بودجه جاری کشور است حال سوال اینجا است که صفر کردن نفت در بودجه جاری چه ضرورتی دارد و چه نقشی در بی اثر کردن تحریم های آمریکا ایفا می‌کند؟ و آیا با شرایطی که اکنون اقتصاد ایران با آن مواجه است صفر کردن نفت در بودجه جاری و بودجه عمرانی ممکن است؟

خادمی: در پاسخ به این سوال می توان به نروژ به عنوان یک نمونه اشاره کرد. این کشور نمونه بسیار خوبی برای جداکردن درآمدنفتی از بودجه است چنانکه این کشور درآمد نفت را در بودجه جاری پیش بینی نکرده است و آن را به صندوقی واریز می کنند که از سود آن پول برای کارهای عمرانی استفاده می کنند و بخشی از این پول را برای نسل های آینده سرمایه گذاری می کنند. پس در پاسخ به این سوال که آیا می توان این کار را انجام داد می بینیم که نروژ به دلیل خواست مسئولانش این کار را انجام می دهد. آنها می خواستند از درآمد نفتی حد اکثر بهره وری را داشته باشند که اینهم راستا با همان مفهوم اقتصاد مقاومتی است که مقام معظم رهبری نیز از آن صحبت کرده اند.

فارس: پس مفهوم اقتصاد مقاومتی آن آن طور که عده ای آن را اقتصاد ریاضتی معرفی می کنند که تحت فشار اقتصادی باید به سمت آن حرکت کنیم نیست...

خادمی: خیر. اقتصاد مقاومتی یعنی استفاده بهینه از حداقل منابع. متأسفانه در ایران 108 سال است که نفت خام می فروشیم و عادت کردیم به خام فروشی و متأسفانه مدیریت فعلی وزارت نفت که چندین دوره وزیر بوده و چندین سال هم وزیر نفت بوده است باید برنامه ریزی می کرد که از خام فروشی دست برداریم و این نفت را تبدیل کنیم به فرآورده های با ارزش دیگر و اصلاً این نفت را در بودجه نبینیم؛ اگر این کار را انجام می دادیم اکنون خام فروش نبودیم. اگر این کار را انجام می دادیم دیگر تحریم پذیر نبودیم و چون این کار را انجام ندادیم الان خام فروش هستیم و تبدیل شدیم به یک کشور تک محصولی که باید نفت خام را بفروشیم و کشور را اداره کنیم. اگر هم اعلام کنند که ما نفت را از شما نمی خریم می بینیم که در چه مصیبتی گیر می کنیم. اما اگر آن موقع نفت را تبدیل می کردیم به بنزین و فرآورده های باارزش و این فرآورده های را صادر می کردیم به افغانستان و پاکستان و ترکیه و دیگر کشورها دیگر نیازی به خام فروشی نداشتیم و به همین راحتی هم تحریم نمی شدیم.

اما این کار را نکردند و آقایان می گفتند که اگر بنزین وارد کنیم بهتر از آن است که پالایشگاه احداث کنیم. ولی اگر کمی آینده نگر بودند به جای خام فروشی پالایشگاه احداث می کردیم هم اشتغال ایجاد می شد هم ماده خام را تبدیل می کردیم به ماده باارزش دیگر و صادر می کردیم و اکنون صادرکننده بنزین بودیم نه وارد کننده بنزین.

فارس: پس معتقد هستید چنین بی تدبیری هایی باعث شد که امروز دچار تحریم شویم و عملاً فرمایشات مقام معظم رهبری را روی زمین بماند...

خادمی: اگر از ابتدای سالهای 68 نگاه تاریخ و صحبت های مقام معظم رهبری را نگاه کنید مقام معظم رهبری چندین بار فرمودند که خام فروشی نکنید و دست از خام فروشی بردارید. ولی این کار صورت نگرفت و عملکرد همین مسئولان موجب شد تا زمینه ساز تحریم شوند و بجز آنکه این موضوع روی فروش نفت تأثیر گذاشت یک کشور تک محصولی شدیم که هر وقت بخواهند ما را تحریم هم می کنند. زیرا مسئولان ما به گونه ای عمل کردند که زمین بازی به دشمن داده شد.

فارس: اگر بخواهیم امروز می توانیم درآمد نفت را در بودجه صفر کنیم یا این توانایی وجود ندارد؟

خادمی: اینکه درآمد نفت را در بودجه نبینیم یک موضوع بسیار ایده آل و خوبی است که باید از سالها قبل این موضوع را شروع می کردیم، ما باید شروع می کردیم به تولید و رونق تولید که مد نظر مقام معظم رهبری است. باید در تولید متنوع عمل می کردیم و جنس با کیفیت و با مزیت تولید می کردیم و صادر می کردیم و از این طریق از نفت و درآمد نفتی رها می شدیم.

الان شرایط به گونه ای است که اصلا مشخص نیست که بتوانیم نفت خود را بفروشیم. الان که پنجره ها روی ما بسته شده شرایط برای فروش نفت بسیار سخت شده است و شاید اصلا نتوانیم نفت بفروشیم. بنابراین بحث سر این است که اکنون چه کاری انجام دهیم واقعبینانه این است که اگر نفت را نتوانیم بفروشیم و درآمد نداشته باشیم خب درآمدهای دیگر کشور هم مانند مالیات کاهش پیدا می کند.

آن موقع که فرصت داشتیم مسئولان ما اقدام نکردند تا نفت را از بودجه کنار بگذارند و درآمدهای دیگر را جایگزین کنیم و نفت را برای نسل های آینده و به عنوان یک درآمد سرمایه ای استفاده کنیم. پس اکنون کار سخت تر از گذشته است هرچند که اگر امروز هم تصمیم بگیریم می توانیم این کار را انجام دهیم.

پس این فرمایش مقام معظم رهبری شدنی است اما شفاف بگویم همانطور که مسئولان در طول این چند سال به اقتصاد مقاومتی توجه نکردند و همانطور که مقام معظم رهبری فرمودند فساد اقتصادی یک بیماری خطرناک است اما کسی گوش نکرد و همانطور که اصل 44 را خراب کردند و به گونه ای عمل کردند که همه از خصوصی سازی پشیمان شدیم، در مورد رونق تولید نیز خیلی توجه نخواستند کرد و در مورد جدا کردن نفت از بودجه هم توجهی صورت نخواهد گرفت.

اگر مسئولان می خواستند کار کنند تا کنون این کار انجام شده بود و می شد این کار را انجام داد. اما باید صریح گفت که این آقایان جرات و توانایی این کارها را ندارند. هر فرد و هر مسئولی شایستگی هایش برای یک کار خاص است این آقایان که الان مسئولیت دارند این گونه رفتار می کنند که باید یک نفت خام وجود داشته باشد و بدون دردسر این نفت را راحت بفروشند.

فارس: اما به نظر می رسد الان چاره ای جز این کار و کم کردن سهم نفت در بودجه نداریم...

خادمی: بله. اما اینها در شرایط سخت نمی توانند کار کنند. ما الان چاره ای جز جدا کردن بودجه از نفت نداریم. ما کشور بزرگی هستیم و حدود 8 درصد از منابع خدادادی جهان را داریم. نباید شرایط ما اینگونه باشد و باید بهتر از این کار کنیم و باید به سمت تولید فراورده گام برداریم.

دولت املاک فراوانی دارد که باید آنها را واگذار کند. دولت باید دخالت خود را کم کند و اجازه دهد بخش خصوصی پیشرفت کند. من نمی گویم نمی شود. می گویم تجربه نشان داده هر وقت پنجره ها را به روی ما بستند ما توانستیم خود را اداره کنیم. اما وقتی یک روزنه باز شد همه چیز را فراموش می کنیم. به دلیل اضطرار و به دلیل این وضعیتی که داریم مجبوریم کاری کنیم. حالا یا از طریق خلق پول، یا از طریق تولید، یا فروش اوراق اما همین که فضا کمی باز می شود اولین کاری میکنیم این است که به سمت فروش نفت حرکت می کنیم و همه چیز را فراموش می کنیم و می زیم زیر همه چیز.

همین الان آلمانی ها از منابع طبیعی و خدادادی سهم چندانی ندارند اما غول صنعت در دنیا هستند. حتی جالب است که بدانید آنها شن و ماسه را از چین وارد می کنند. چینی ها که بیش از یک میلیارد جمعیت دارند می بینیم که حتی یک نفر بیکار را هم ندارند و سالی 22 میلیون شغل ایجاد می کند اما ما در ظرف 6 سال گذشته دو تا شغل هم ایجاد نکردیم.

همه چیز ابتدا از خواستن شروع می شود اما وقتی ما میخواهیم یک عمل مغز را انجام دهیم همین که اراده کنیم مریض را در اختیار ما قرار نمی دهند زیرا توانایی این کار را نداریم و باید فردی باشد که توانایی این کار را نیز داشته باشد. خلاصه اش اینکه روی این افرادی که الان در راس امور هستند نمی توان حساب باز کرد که فرمایشات مقام معظم رهبری را انجام دهند و عملکردشان نیز نشان داده است که اصلا به این موضوع توجهی نخواهند داشت و کسی هم روی آنها تمرکز و نظارتی ندارد.

همین وزیر نفت عملکردش در وزارت نفت را وقتی بررسی می کنید عملکرد ضعیفی دارد. چه در توسعه صنعت نفت چه در فروش نفت و گاز به عنوان مثال الان عربستان در میدان فرزاد و عراق در میدان آذر کار می کنند اما ایرانی ها هنوز کاری انجام نداده اند. فروش نفت نیز شرایط خوبی ندارد و حتی بازار گاز منطقه را نیز از دست داده ایم. رئیس جمهور می بیند، سازمانهای نظارتی می بینند، مجلس می بیند اما کسی کاری انجام نمی دهد و لطمه آن را ملت ایران خواهند خورد و متأسفانه برخورد ها متناسب با نوع عملکرد نیست بنابراین کسی کاری ندارد که چه بلایی دارد بر سر صنعت نفت ایران می آید.

فارس: کارشناسان اقتصادی معقدند درآمد مالیاتی باید به گونه ای باشد که جایگزین در آمد نفت شود کاهش یا حذف معافیت های مالیاتی تا چه میزانی می تواند در جبران درآمدهای نفتی تاثیرگذار باشد؟ همچنین جلوگیری از فرار مالیاتی تا چه میزانی می تواند در جایگزینی درآمدهای نفتی موثر باشد؟

خادمی: در خیلی از کشورها مالیات بخش اعظمی از بودجه را تشکیل می دهد اما در ایران به دلیل فرار مالیاتی اینگونه نیست زیرا بسیاری از مسئولان دستشان در اقتصاد است و آنها هستند که مالیات نمی دهند.

باید سیستم شفاف و سالم باشد و مسئولان در کنار تعهد و تخصص باید سلامت نیز داشته باشند. الان بانک ها و وزارت خانه ها مانند وزارت کار و سازمانهای دولتی تبدیل به بنگاه دار شده اند حال سوال این است که آیا اینها مالیات می پردازند؟ پزشکان متخصص که درآمدهای کلان دارند آیا مالیات می پردازند؟ متاسفانه الان تبدیل به کشوری شدیم که براساس استانداردها فعالیت نمی کنیم. ایران کشوری است که دارای منابع مختلف طبیعی است و به جای آنکه بیاییم از این منابع درست استفاده کنیم آنها را هدر می دهیم و هیچ حساب و کتابی هم وجود ندارد.

باید قوه قضائیه بررسی کند که فلان مسئول وقتی 40 سال پیش مسئولیت گرفت برای اولین بار چه داشت و اکنون بعد از گذشت 40 سال نیز دارایی اش بررسی شود تا مشخص شود چه چیزی دارد.

فارس: یکی از مشکلات امروز عدم شفافیت در اقتصاد است. به عنوان مثال سازمان امور مالیاتی به تراکنش های بانکی دسترسی ندارد در صورتی که در دیگر کشورها اینگونه نیست و حتی از جزئی ترین مسئله که همین تراکنش های بانکی است می توان میزان مالیات را محاسبه کرد.

خادمی: این سوال مطرح است که چرا سازمان امور مالیاتی به تراکنش ها دسترسی ندارد. در صورتی که باید شفافیت وجود داشته باشد. من به خاطر دارم چند سال قبل سفری به آلمان داشتم و در فرودگاه می خواستم یک عطر بخرم دست کردم در جیبم تا پولش را پردازم. یک 500 یوروی در جیب داشتم. همین که پول را پرداخت کردم. پلیسهای فرودگاه دوره ام کردند که کیف پولت را بده و از من سوال کردند چرا 500 یوروی در جیب هست در صورتی که باید در بانک باشد. بعد از کلی بحث و مذاکره این موضوع خاتمه یافت.

بنابراین آنها همه تراکنشهای بانکی را زیر نظر دارند و اجازه نمی دهند که پول های درشت به صورت نقد جایجا شود که قابل پیگیری نباشد. الان نیز باید به این سمت حرکت کنیم و کاری کنیم که سازمان امور مالیاتی به تراکنشهای بانکی نیز دسترسی داشته باشد تا مشخص شود میزان دارایی یک فرد چه مقدار است.

الان متاسفانه شرکت های بزرگ که بزرگترین پروژه ها را انجام می دهند به اندازه یک کارمند معمولی مالیات نمی پردازند که این وضعیت باید اصلاح شود. اقصاد ایران یک پکیج معیوب است که عده ای که منافعی دارند در این اقتصاد اجازه نمی دهند تا این وضعیت اصلاح شود.

اگر به سمت شفافیت حرکت کردیم و رسانه های ما به این سمت حرکت کردند که اعلام کنند چه اتفاقی دارد در اقتصاد رخ می دهد، می توان انتظار اصلاح این وضعیت را داشت. همان طور که گفتیم پزشکان هم مالیات نمی دهند وقتی می خواهیم براساس مالیات کشور را اداره کنیم دولت ها تبدیل می شوند به نوکر مردم. اما با این شرایط که اکنون در کشور وجود دارد نمی توان انتظار داشت که بتوان از درآمد مالیاتی در اداره امور کشور استفاده کرد.

اگر فرار مالیاتی باشد یعنی نمی توانیم روی درآمد مالیاتی حساب باز کنیم بنابراین باید به همین شکل امروز منابع خود را بفروشیم تا بتوانیم دولت را اداره کنیم و این نشان می دهد که ما هنوز تصمیم نگرفتیم که چگونه می خواهیم کار کنیم. وقتی مقام معظم رهبری می فرماید به سمت اقتصاد مقاومتی حرکت کنیم یعنی از یک لیتر یا یک بشکه نفت باید حداکثر بهره وری را داشته باشیم نه اینکه آن را مفت و مجانی بفروشیم تا بتوانیم خود را اداره کنیم.

مثلا نفت را تبدیل کنیم به بنزین و آن را گران تر بفروشیم. اقتصاد مقاومتی یعنی اینکه بعد از سالها چرا باید تولید کنیم؟ اگر نمی توانیم خودروهای باکیفیت تولید کنیم چرا منابع کشور را هدر می دهیم و از آن استفاده بهینه نمی کنیم؟

فارس: یکی از مشکلات امروز ما موضوع قاچاق سوخت است اگر این مسئله کنترل شود میتوان امید داشت بخشی از کمبود درآمد ارزی کشور برطرف شود...

خادمی: در مورد قاچاق سوخت نیز باید گفت در سالهای گذشته وقتی مصرف بالا می رفت ما مجبور بودیم تا حجم قابل توجهی بنزین را وارد کشور کنیم. دولت وقت تصمیم گرفت تا سامانه هوشمند سوخت راه اندازی شود و سوخت گیری از طریق کارت سوخت انجام شود که خوشبختانه موفق بودیم هم شفاف سازی شد و هم جلوگیری از قاچاق و واردات سوخت شد.

اما وقتی دولت عوض شد این دولت کارت سوخت را قبول نداشت و با کارهای سیاسی که کرد عملا کارت سوخت را کنار گذاشت و هیچ گونه تغییر اصلاح وضعیتی نیز در دستور کار خود قرار نداد. در صورتی که می توانست با یک شیب ملایم قیمت بنزین را سالانه افزایش دهد تا قیمت بنزین به یک قیمت معقولی برسد. اما دولت در بودجه سال 97 تصمیم گرفت به یک باره قیمت بنزین را 50 تا 60 درصد افزایش دهد که این موضوع می توانست به اقتصاد معیوب ایران فشار وارد کند و قطعاً بر روی دهها کالای دیگر اثر گذاری می کرد که مجلس این موضوع را رد کرد و اجازه چنین کاری را به دولت نداد.

از آن به بعد نیز دولت هیچ صحبتی در خصوص قیمت بنزین نکرد اما در اواخر سال 97 به یکباره به دنبال کارت سوخت رفت و سعی داشت در کنار کارت سوخت یک افزایش قیمتی را هم اعمال کنند که باز این کار انجام نشد. این کارهای دولت نشان می دهد که دقیقاً نمی داند چه کاری می خواهد انجام دهد و فقط تحت شرایطی به دنبال کارهای مسکن است اگر دولت کارت سوخت را قبول ندارد چرا دوباره دنبال احیای آن است؟ اگر هم می خواهد به حرف کارشناسان گوش کند چرا زمانی که کارشناسان می گفتند کارت سوخت نباید حذف شود چرا آن را حذف کرد.

این کار دولت نشان می دهد می خواهد یک کار را انجام دهد ولی از تبعاتش نگران است و میخواهد بداند چه تبعاتی خواهد داشت. اما عملاً نمی گوید که چه کاری می خواهد انجام دهد و این نشان از بی برنامهگی دولت در اداره امور است.

خوشبختانه پالایشگاه ستاره خلیج فارس که از دولت های قبل شروع شد در این دولت به اتمام رسید و اکنون مشکل تامین سوخت نداریم اما اینگونه هم نباید باشد که هرچه تولید می کنیم را در داخل مصرف کنیم باید به این سمت حرکت کنیم که بنزین و فراورده تولیدی را صادر کنیم.

اینکه عده ای می گویند دولت باید قیمت بنزین را بالا ببرد و به سطح دیگر کشورها برساند باید بروند مشاهده کنند که آنها به کارگران خود چگونه حقوق می دهند و وقتی حد اقل حقوق به آن میزان رسید آنگاه قیمت بنزین را نیز مانند آن کشورها تعیین کنند. اما وقتی که در داخل کشور قیمت دلار هر روز نوسان دارد نمی توان قیمت را براساس دلار تعیین کرد.

فارس: یکی از مشکلات ما در اقتصاد این است که پایه پولی حفظ نشده و در شرایطی که نوسانات نرخ ارز داریم دولت به دنبال اجرا سیاست های اقتصادی خود است که به نظر می رسد ابتدا دولت باید در این زمینه برنامه ریزی کند

خادمی: هرگاه توانستیم ارزش پایه پولی کشور را حفظ کنیم آنگاه می توانیم سیاست های خود را در جهت اصلاح شرایط اقتصادی انجام دهیم اگر این شرایط حفظ نشد آنگاه می توانیم قیمت بنزین و دیگر حامل های انرژی را نیز اصلاح کنیم و فشاری به مردم ایجاد نخواهد شد اما اگر پایه پولی حفظ نشد وقتی قیمت ها را هم تغییر دهید نمی توانید جلوی قاچاق را بگیرید. زیرا ارزش پول ملی همواره در حال تغییر و تضعیف شدن است. الان اگر مردم می گویند که مثلاً فلان جنس در فلان کشور حاشیه خلیج فارس نسبت به 10 یا 20 سال قبل ثابت مانده علتش حفظ ارزش پولی ملی آن کشور است. اما من در ایران ارز 7 تومانی خریدم و اکنون نیز قیمت دلار به 13 و 14 هزار تومان رسیده است.

بنابراین در قدم اول برای اصلاح شرایط اقتصادی باید ارزش پایه پولی کشور را حفظ کنیم تا شاهد این اتفاقات نباشیم و در قدم بعد به سمت تولید داخلی حرکت کنیم باید به این سمت برویم که در تولید کالاهای مورد نیاز وابسته به خارج نباشیم اکنون قطعه سازان ما در صنعت خودرو قطعه را در چین تولید می کنند و وارد می کنند و با نام تولید داخل عرضه می کنند.

متأسفانه مجلس هم که کار نظارتی خود را به درستی انجام نمی دهد. چونکه دولت ها در مجلس به شدت تاثیرگذار هستند و آنها هستند که تصمیم میگیرند که چه افرادی در مجلس حضور داشته باشند و چه افرادی از مجلس خارج شوند. به همین دلیل مجلس ما به جای اینکه نماینده مردم باشد نماینده دولت است.

به خصوص در کلانشهرها اینگونه است که نماینده مجلس در این شهرها عملاً کارمند دولت است و همین شرایط اکنون در مجلس نیز وجود دارد بنابراین باید خانه را از پایه اصلاح کرد و به این سمت حرکت کرد که ابتدا مجلس اصلاح شود و این مجلس است که می تواند دولت را اصلاح کند.

<https://www.otaghkhabar24.com/news/174201> Source URL: